



داشتند. و بالاخره با مجاهدت علمای بزرگ شیعه همچون: شیخ فضل الله نوری، شهید مدرس، آیت الله کاشانی و حضرت امام خمینی رحمه الله علیه و جانشانی ملت شریف ایران، شیعه یک گام بلند تاریخی دیگر برداشت و آن چیزی جز ظهور انقلاب اسلامی نبود.

در سال ۱۳۵۷ شمسی غدیر به کامل ترین وجه ممکن در عصر غیبت در قالب انقلاب اسلامی ظهور کرد، تا تنها یک گام دیگر تا تحقق کامل غدیر یعنی ظهور امام عصر علیه السلام باقی مانده باشد.

گام چهارم: پیروزی انقلاب اسلامی در عصر نفوذ تمدن ظلمانی غرب در سرتاسر جهان، عصری که می رفت تا در آن مسیر هدایت برای همیشه گم گردد، انقلاب اسلامی به مثابه نوری در تاریکی، درخشید و با انفجار نورانی خود عالم را متوجه معنویت کرد. تفاوت اساسی انقلاب اسلامی با حکومت های شیعی مثل آل بویه و صفویه در این بود که آنها فقط حاکمانی با گرایش شیعه داشتند ولی در انقلاب اسلامی حکومتی بر اساس آموزه های تشیع و با نظریه ولایت فقیه شکل گرفت که به لحاظ ساختاری کاملترین نوع حکومت ممکن شیعی در عصر غیبت است، یعنی به صورت کلی کامل تر از انقلاب اسلامی در دوران غیبت متصور نیست. کامل تر از انقلاب اسلامی یا حاکمیت ولی فقیه، حاکمیت خود امام عصر علیه السلام می باشد.

به تعبیر دیگر غدیر در انقلاب اسلامی در کاملترین صورت ممکن خود ظهور پیدا کرد و تنها یک قدم دیگر مانده است و آن تحقق حاکمیت معصوم علیه السلام بر کل زمین است. انقلاب اسلامی با پشتوانه ای به قدمت تاریخ بشر و هزاران سال مجاهدت و صبر، انبیاء علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام، علما و شهدا و عموم شیعیان به وجود آمده و مسیر فراروی آن تحقق وعده الهی غدیر در روز ظهور است.

امام خمینی ره: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچم داری حضرت حجت او احنا فداه است که خداوند بر همه ی مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (صحیفه نور ج ۲۱ ص ۳۲۷)

گام پنجم: پس از انقلاب اسلامی گام بعدی شیعه ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. اما این که فاصله زمانی بین انقلاب اسلامی و ظهور چقدر طول خواهد کشید، به طور کامل به رفتار امروز ما بستگی دارد. اگر ما ایرانیان به رسالت تاریخی خودمان عمل کنیم، فاصله زمانی گام چهارم و پنجم کوتاه خواهد بود. باید توجه داشت که عصر ما عصر انقلاب اسلامی، زمانه بسط تاریخ

دیگری هم هست: دوران سیطره تمدن غرب است؛ تمدنی که امروز غرب تا شرق عالم را در نور دیده است. انقلاب اسلامی در واقع طلوعی نورانی در دل ظلمت غرب بود. راه ظهور و تحقق گام پنجم تاریخی شیعه از میانه وادی ظلمات آخرالزمانی غرب می گذرد؛ عبور سالم از این ورطه خطرناک دوش شرط دارد: آگاهی و ایمان. ابتدا باید با نور آگاهی مسیر را روشن نمود و با قدرت ایمان راه را طی کرد. آگاهی نسبت به ماهیت تمدن غرب به سادگی به دست نمی آید؛ یکی از بهترین راه ها در این زمینه نگاه تاریخی به تمدن غالب امروز است. گذشته تمدن غرب به قبایل باز می گردد. سر آغاز دو تا شدن راه اتسان و پیدایش دو مسیر حق و باطل در مقابل فرزندان آدم، اولین قتل عالم به دست قابیل است. این اولین قتل باعث جدایی قایل و نسل او از راه آدم و انبیاء گردید. او راهی را پیمود که با دخالت شیطان به غرب امروز منتهی گشت. راهی که بشر مدام در آن سقوطی و هبوطی پس از هبوط و سقوط پیشین را تجربه کرد، تا امروز که در آخرین مرحله ممکن از هبوط به سر می برد. انقلاب اسلامی با گذشته خود در برابر چنین تاریخی قرار گرفته است. * * *

او فواهد آمد...

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ
برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.



نهم ربیع الاول سالروز ولایت، امامت و زعامت
آخرین بحاب رحمت، حضرت مهدی موعود (ص)
بر منتظران و چشم انتظاران ظهورش
تبریک و تهنیت باد



نهاد مسکن حضرت ولی موعود
استان مازندران

السلام علیک یا ایها محمد و آله و صحبه اجمعین



پیج گام تا ظهور



پنج گام تا ظهور

با نگاهی گذرا به گام های تاریخی تشیع از غدیر تا ظهور میبینیم شیعه با هدایت اهل بیت علیهم السلام و در راستای تحقق دولت مهدی علیه السلام گام های تاریخی مهمی را تا کنون برداشته است: این گامها عبارت اند از:

گام اول: اعلام رسمی در غدیر روز غدیر خم، روز اعلام رسمی ولایت و معرفی مسیر حق و صراط مستقیم الهی بود، روزی که به دستور خدا و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسیر تاریخی جریان هدایت و ولایت تا قیام قیامت ترسیم شد. در این روز هزاران نفر بر سر ولایت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم پیمان شدند. اما در امتحان سقیفه به فاصله هفتاد روز از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکست خوردند و به جز اندکی، همه بیعت خود را فراموش کردند، اما این غدیر نبود که شکست خورد بلکه غدیر یان سال دهم هجری بودند که زبان کردند. چرا که خداوند با وعده «والله يعصمکم من الناس» نگرانی پیامبر را بر طرف کرده بود و تاریخ اثبات کرد که خدا خلف وعده نمی کند: غدیر نمرود و زنده است و زنده خواهد بود و با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به تحقق نام خود خواهد رسید.

حرکت تاریخی شیعه پس از اعلام غدیر و امتحان سقیفه با تعداد انگشت شماری از یاوران مخلص مانند سلمان و ابوذر و مقداد و ... آغاز شد. این نهال نو پا با جانشانی فاطمه زهرا سلام الله علیها و صبر الهی امیر المومنین علیه السلام پایدار شد. تا اینکه پس از ۲۵ سال خانه نشینی، حکومت ظاهری امام علی علیه السلام آغاز شد و اگر چه مدت آن محدود بود و همان فرصت محدود نیز در جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین گذشت، اما همین دوران موجب جهشی بزرگ در جهت ترویج فرهنگ تشیع گردید. راه امام علی علیه السلام با صلح امام حسن علیه السلام ادامه یافت و با خون حسین شهید علیه السلام در صحرای تفتیده کربلا، درخت نو پای تشیع آبیاری شده و برای همیشه پایدار گردید. امام سجاد علیه السلام مکتب امام حسین علیه السلام را زنده نگه داشت و با نهضت معنوی خویش زمینه را برای نهضت علمی امام باقر علیه السلام مهیا کرد. امام محمد باقر علیه السلام در پرتو خون حسین شهید علیه السلام راه امام سجاد علیه السلام را ادامه داد و نهضت علمی تشیع را آغاز نمود، تا اینکه این نهضت در دوران امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید و در همین دوران بود که شیعه گام بلند دوم خود را در مسیر رشد برداشت.

گام دوم: تأسیس مذهب تشیع در عهد امام صادق علیه السلام فقه شیعه گسترش شگفت انگیزی پیدا کرد و شیعه به عنوان مذهبی متمایز از سایر گروه ها جدا گردید. در این عصر غدیر در قالب مذهبی پویا جلوه گر شد و به همین صورت روند رشد و بالندگی شیعه طی شد، تا اینکه گستردگی و پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط سرزمین های اسلامی، نیاز به تشکیلاتی منسجم جهت هدایت و رهبری آنان را مطرح ساخت. در عصر امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام دور از چشم خلفای مستبد عباسی شبکه ارتباطی منسجم و منظمی به وجود آمد که به آن سازمان و کالت می گفتند؛ وظیفه این سازمان، ساماندهی امور شیعیان مناطق مختلف و حفظ ارتباط آنان با امامت با رعایت سلسله مراتب بود.

بدین ترتیب ارتباط مردم سراسر سرزمین های اسلامی با امامشان حفظ می شد و هدایت معصومین شامل حال آنان می گردید. رفته رفته شیعیان باید آماده دورانی جدید اما سخت می شدند. دورانی که در آن ارتباط حضوری و ملاقات با امام امکان پذیر نبود، یعنی دوران غیبت. امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام تلاش خود را جهت آماده ساختن مردم برای ورود در عصر غیبت متمرکز کرده تا آسیب های غیبت حضرت حجت در میان مردم به حداقل برسد، برای همین منظور ضمن آگاه سازی مردم نسبت به غیبت قریب الوقوع، با گسترش دادن سازمان و کالت، مردم را آماده حضور در عصر ظلمانی غیبت می کردند. بدین صورت که ارتباط امام با مردم بیشتر از طریق نواب و وکلا صورت می گرفت تا به صورت حضوری. با آغاز غیبت صغری و معرفی نائبان خاص؛ یعنی عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري، سازمان و کالت زیر نظر این چهار نایب جلیل القدر به وظایف خود به نحو شایسته ای عمل می کرد و پس از پایان دوران غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، همین شبکه ارتباطی و کالت، به نهاد مرجعیت تبدیل شد، که برآستی سند افتخار شیعه در طول تاریخ بوده و هست؛ در این دوران، غدیر یعنی جریان ولایت الهی، در ظرف غیبت و در مرجعیت علما و نواب عام ظهور پیدا کرده است.

گام سوم: تأسیس نهاد رهبری و مرجعیت با پایان یافتن عصر نیابت خاصه (غیبت صغری) عصر نیابت عامه آغاز گردید. در این دوران نواب عام حضرت یعنی (مراجع معظم)، هدایت و رهبری شیعه را بر عهده گرفتند. در قرن چهارم هجری خاندان ایرانی آل بویه حکومت بخش بزرگی از دنیای اسلام را به دست گرفتند، آل بویه شیعه مذهب بودند، ولی نتوانستند خلافت عباسی را نابود کنند.

لذا در کنار خلیفه عباسی کشور را اداره می کردند. دوران آل بویه فرصت مناسبی برای مراجع و علمای شیعه فراهم کرد تا به تدوین منابع علمی تشیع بپردازند، از این رو در این دوران بود که بسیاری از مجامع حدیثی و رجالی شیعه تدوین شد؛ در این دوران بود که حوزه علمیه بغداد تأسیس و روز عاشورا تعطیل و عزاداری سالار شهیدان رسمی و علنی شد.

شیعه به روند رو به رشد خود ادامه داد تا اینکه سالها بعد قلمرو اسلام در معرض حمله مغول قرار گرفت. مغول ها قومی بی فرهنگ بودند که فقط زین اسب و شمشیر را می شناختند، بنابراین به سرعت تحت تاثیر فرهنگ اسلامی به ویژه عالمان شیعی قرار گرفتند. در آن زمان بیش از پنج قرن از عمر خلافت عباسی می گذشت و با اینکه به خاطر ظلم و فساد فراوان خلفا از آن جز ظاهری پوسیده باقی نمانده بود، ولی به خاطر طولانی شدن این خلافت، مردم کم کم باور کرده بودند که این خلافت را پایانی نیست و حتی خلیفه را سایه خدا می دانستند و می گفتند اگر خلیفه کشته شود عالم نابود می گردد. با حمله مغول به بغداد بالاخره خلیفه کشته شد و آب هم از آب تکان نخورد و سلسله عباسیان منقرض گردید. بت بزرگ خلافت عباسی شکسته شد، بتی که جز فساد از او کاری بر نمی آمد، بتی که شیعه و سنی از او و کارگزاران او در عذاب بودند. مردم ایران که از قبل محبت اهل بیت علیهم السلام را در دل داشتند با شکسته شدن اعتقاد غلطشان نسبت به خلافت عباسی، آماده پذیرفتن کامل تشیع شدند و این امر موجب شد تا در زمان صفویه با اعلام شاه اسماعیل، مذهب رسمی ملت ایران تشیع شود.

با روی کار آمدن دولت شیعی صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، فرصت مغتنمی برای علمای شیعه فراهم آمد تا به ترویج فرهنگ تشیع، تدوین و تبیین منابع علمی مثل بحار الانوار، وافی و... تأسیس حوزه علمیه اصفهان و دیگر شهرها بپردازند. در این دوران علمای بزرگی چون محقق کرکی، شیخ حر عاملی، علامه مجلسی، میرفندرسکی، شیخ بهایی و... در فضای مناسب حکومت شاه صفوی اجازه بروز و ظهور پیدا کرده و آزادانه به تبلیغ دین می پرداختند تا جایی که یک کتاب (حق الیقین) علامه مجلسی هفتاد هزار نفر را شیعه کرد. اگر چه دوران صفویه هم به سر آمد و حکومت صفوی به دست افغان ها نابود شد اما تشیع (غدیر و جریان ولایت الهی) در ایران برای همیشه باقی ماند. افشاریان، زندیه، قاجاریه و پهلوی آمدند و رفتند ولی این علمای بزرگ شیعه بودند که رهبری افکار عمومی را در دست